

۲۲ ژانویه ۲۰۱۶

پیامی از شهر کلن

ما به شهرمان کلن، عشق می‌ورزیم. ما عاشق تنوع، شور زندگی و حتا هرج و مرج گاه‌گاه این شهر هستیم. ما شهرمان دوست داریم که همیشه و همه وقت سخت مقرراتی نیست و هیچوقت پاک و پاکیزه کامل هم نیست. اما در عوض میهمان‌نواز است و با روی گشاده، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت را می‌پذیرد که هرچند در آغاز غریب می‌نمایند، پس از زمان کوتاهی، عادی می‌شوند.

ما به نیروی شهرمان عشق می‌ورزیم که در کوتاه‌ترین زمان از مهاجران اهالی، شیفته شهر کلن می‌سازد. ما همزمان به این واقعیت آگاهییم که کلن شهری است باستانی، در کنار رودی بزرگ که همه روزه با ثبات از کنار ما می‌گذرد.

شاید همین احساس ما را طوری خونسرد بار آورده و خاطرم‌ان را آسوده نموده که پشت هر خبر ناگوار و ناهنجار فاجعه‌ای نبینیم. ما حتا وقتی تیم فوتبالم‌ان شکست می‌خورد، به فکر آمدگی برای لیگ برتر می‌افتیم. چرا که شعارمان در زندگی «می‌بینی که باز بخیر گذشت» است.

شاید به راستی این شهر ستایی پر سوز و گداز ما، غریب به نظر بیاید به خصوص که در خلوت خودمان هم قبول داریم که پس از ویرانگریهای جنگ جهانی دوم در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ از آن شهر پرشکوه، محل زیبایی باقی نمانده است.

اما این زشتی و بیقوارگی که جنگ و متأسفانه شلختگی خودمان نصیب خیابان‌ها و میدان‌های شهرمان کرده و فاجعه‌هایی مانند فرو ریختن محل بایگانی اسناد شهر که در سال ۲۰۰۹ رخ داد و کاسه صبرمان را هم سرریز کرد، هیچکدام ذره‌ای از مهرمان به شهرمان نکاسته است.

برعکس؛ این زخم‌پذیری و کمبودهای آشکار عشق ما را عمیق‌تر هم کرده است زیرا همین‌ها ما را متوجه می‌سازد که باید با حواس جمع‌تری به مسائل شهرمان بپردازیم «تا کلن سرحال و سر کیف بماند».

رویدادهای شب سال نو که در کنار ایستگاه مرکزی راه‌آهن شهر رخ داد، همه ما را دچار نگرانی، ناراحتی و تردید و تشویش ساخت. چندصد زن و دختر مورد تعرض جنسی قرار گرفتند و از قرار معلوم، گرفتار دسته‌های بز هکاران سازمان یافته شدند.

نهادهای امنیتی مسئول ما نه تنها با حالتی درمانده تماشاگر اوضاع بودند بلکه نخست کوشیدند، این جنایات که در قلب شهر رخ داده بود را بی‌خطر جلوه دهند و حتا پنهان نگاه دارند.

بیم آن می‌رود که سرزنش‌های گروه‌های مخالف، پرسش‌های بی‌پاسخ و برخی گزارش‌های تحریک‌کننده رسانه‌ها که از شب سال نو موضوع عمده بحث‌ها و گفتگوها در پهنه شهر شده، مردم شهرمان را دستخوش انشعاب و تفرقه سازد. به ویژه که ما در دوره‌ای بسر می‌بریم که تنش‌های فرهنگی و قومی همواره و بیشتر و بیشتر دستخوش خشونت‌های روانی می‌گردند.

ترورهای جهادگرایان که در سراسر جهان بی‌هیچ اختیاری انسان‌های بی‌گناه را قربانی می‌کنند، هم‌اکنون آلمان را هم نشانه گرفته است. از سوی دیگر فقط در سال گذشته راستگرایان افراطی حدودا هزار بار به اقامتگاه‌های پناهجویان حمله برده‌اند.

شهردار کنونی کلن خانم هنریته رکر Henriette Reker تنها یک روز پیش از انتخاب، به خاطر دیدگاهش در رابطه با مسأله پناهجویان، با کارد مورد سوء قصد و در خطر مرگ قرار گرفت.

و سرانجام همین چند روز پیش دیدیم که اعضای جنبش راستگرایان افراطی موسوم به پگیدا Pegida بی‌شرمانه در کنار ایستگاه راه‌آهن دست به تخریب زدند و لحظه‌ای بعد، افراد ناشناسی در مرکز شهر به جان خارجی‌ها افتادند.

حالا دیگر باری‌رسانان بیشمار و سیاستمداران مسئولی که در ماه‌های گذشته به منظور پذیرش پناهجویان نیرو گذاشته‌اند را نادان‌های ساده‌لوح خطاب می‌کنند، تازه اگر نخواهند آن‌ها را خائنان به مملکت بنامند.

از سوی دیگر همشه‌ریانی که نگرانی‌شان را نسبت به مهاجرت اظهار می‌کنند، بیم آن دارند که بر آن‌ها انگ ضد خارجی بزنند.

برای جلوگیری از رشد تفرقه در اجتماع‌مان، باید مشخصاً با توجه به رویدادهای شب سال نو بر وجوه مشترک تأکید کرد چرا که ما از هر جنس و سن و ملیت و آیین و حزب و شغل و مقامی که باشیم، هرگونه گرایش جنسی و شخصی هم که داشته باشیم، خواستار آنیم که بتوانیم مطمئن و آزاد و با چشمان باز در شهر کلن رفت و آمد کنیم.

به این خاطر در اینجا چهار نکته و خواسته را مطرح می‌کنیم که مطمئنیم تنها خواسته‌های ما نیستند. افزون بر این برای هرکدام از این خواسته‌ها توضیحاتی نوشته‌ایم که ممکن است انتقاد و اعتراض برخی را برانگیزد، اما انتقاد اگر سازنده باشد و لحن تحقیرآمیز و توهین‌آمیز نداشته باشد، بی‌گمان مثبت است.

به نظر ما به ویژه پس از رویدادهای شب سال نو، هیچ چیزی ضروری‌تر از آن نیست که این مسائل را چه در شهر کلن و چه خارج از اینجا خردورزانه و به دور از دیدگاه‌ها و گرایش‌های شخصی مطرح کنیم.

و اما خواسته‌ها:

۱- خشونت جنسی به هیچ وجه پذیرفته و قابل تحمل نیست. خشونت جنسی در اغلب قریب به اتفاق جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد. یک چنین خشونتی در شب سال نو مسیحی نزدیک ایستگاه راه‌آهن کلن آشکارا از جانب مردان جوانی که اهل آفریقای شمالی و کشورهای عربی بودند، سر زده است.

هرچند که در این میان مصرف الکل، مواد مخدر و موج خطرناک و جو جمعیت تأثیر داشته و تقصیرکار بوده باشد، نمی‌توانیم چشم‌ها را ببندیم و نبینیم که آن اعمال افراطی از تصویر ناهنجاری سرچشمه می‌گیرد که این مردان از زن در ذهن دارند.

همه ما پیش از رویدادهای سال نو مسیحی هم می‌دانستیم که اجتماعاتی هستند که در آن‌ها برخی از مردان با برابری زن و مرد مشکل عمیق و عمده دارند. ما خود همواره در اجتماعات عربی و شرقی با این رفتار مردسالارانه برخورد داشته‌ایم.

اگر بخواهیم کرامت زن را به عنوان اصلی مسلم و تغییرناپذیر در همه جا و همه وقت به همگان بقبولانیم، باید مشخصاً بر این واقعیت‌ها انگشت بگذاریم، زیرا تنها وقتی می‌توانیم بر خشونت چیره شویم که ریشه‌های احساسی، اجتماعی و فرهنگی قهر را بشناسیم. قهر، با تعرض فیزیکی مردان به زنان آغاز نمی‌شود. سخنان مستهجن، تحقیرآمیز و پرخاشجویانه هم خشونت به شمار می‌آیند.

ما این خشونت را هم نمی‌پذیریم و بر آنیم که هرکجا و هر لحظه که زنان مورد تعرض قرار گیرند، زودتر و مصمم‌تر علیه آن اقدام کنیم. ما امیدواریم که رویدادهای شب سال نو مسیحی حواس همه ما را نسبت به خشونت جنسی که یک معضل فراگیر اجتماعی است، جمع‌تر کرده باشد.

سازمان‌های تلاشگر حقوق زنان از جمله سازمان «تر دِ فم» Terre des Femmes می‌گویند هنوز در آلمان هر سه دقیقه‌ای یک زن قربانی تجاوز جنسی می‌شود که سه چهارم از آن‌ها از سوی خانواده یا آشنایان آن‌ها هستند. ما نمی‌توانیم این وضعیت را بپذیریم و باید علیه خشونت جنسی از سوی هرکس که باشد، اقدام و تلاش کنیم.

۲- مبارزه علیه باندهای بزه‌کار

بسیاری از ما شاهد بوده یا خود تجربه کرده‌ایم که در کنار جرم‌های سازمان‌یافته چند سالی است که در خیابان‌های شهر کلن باندهای بزه‌کاری پیدا شده‌اند که عمدتاً از مراکشی‌ها و الجزایری‌ها تشکیل می‌شوند.

کافی است با همسایگان نیکسرسشت مراکشی و الجزایری صحبت کنید تا متوجه شوید که بز هکاران نامبرده به طور کلی از مردان مجردی تشکیل می‌شوند که در کشور خود نیز جزو بز هکاران و معتادان بوده‌اند. در ضمن، این‌ها هیچکدام با موج پناهجویانی که به تازگی به آلمان آمده‌اند، ربطی ندارند.

ما از خود می‌پرسیم که قضیه چیست که پلیس از قرار هیچگونه دسترسی به این بز هکاران یادشده ندارد در صورتی که همشهریان ما که خود اهل افریقای شمالی‌اند از قرار آن جوانان را می‌شناسند و از بیرحمی‌های ایشان شکایت هم کرده‌اند.

برای ما که خود اهل کلن هستیم، تعجب‌آور نیست که عمده کسانی که در رویدادهای شب سال نو دست داشته‌اند از همین دسته‌جات بز هکاری بوده‌اند که بر اثر مصرف مواد مخدر به چنین جسارتی افتاده‌اند. این گروه‌ها تقریباً هر روز به خصوص نوجوانان و زنان را چه در محیط ایستگاه راه‌آهن و چه شب‌های جمعه در خیابان کمربندی کلن رینگ تهدید می‌کنند. ما انتظار داریم که حکومت قانون سرسختانه‌تر با بز هکاران خیابانی برخورد و ایشان را مجازات کند و در صورت لزوم از کشور اخراج نماید.

اصل برابری در مقابل قانون، در مورد همگان از هر کجا و هر فرهنگ و آیین که باشند، صادق و معتبر است. افزون بر این، این اصل باید جدی‌تر گرفته شود، زمانی که در جایی مردم از کشورها، فرهنگ‌ها و آیین‌های گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند.

۳- ارزیابی پیامدهای ناتوانی‌های مقامات رسمی  
ما از رفتار بخشی از نیروهای انتظامی در شب سال نو و به ویژه از موضع‌گیری‌هایی که مقامات انتظامی و سیاسی در چند روز پس از آن رویدادها اتخاذ کردند، چنان شگفت‌زده‌ایم که از بیان آن در مانده‌ایم.

اگر نیروهای انتظامی نمی‌توانند امنیت ما را در مقابل حمله‌های تروریستی حفظ کنند، بی‌گمان می‌توانستند از آنچه پیرامون ایستگاه راه‌آهن رخ داد جلوگیری کنند. در آن رویدادها، ریاست نیروهای انتظامی، موقعیت را به هر دلیلی به طور مضحکی غلط ارزیابی نموده و حتی پیشنهاد تقویت نیروی انتظامی را رد کرده است. در پی آن، مقاماتی از نهادهای گوناگون دولتی، که گزارش‌های متضاد و گاه حتماً نادرست در مورد رویدادها به اطلاع مردم رسانده، یکدیگر را متهم نموده و کوشیده‌اند با استدلال‌های پوچ از خود دفاع کنند.

برای نمونه ادعا شده که گرچه مجرمانی را در حین عمل جرم توقیف کرده‌اند، ولی گویا چون زندان‌ها پر بوده، آن‌ها را رها کرده‌اند. از سوی دیگر، در حالی که مقامات، نخست ملیت مجرمان را پنهان نگه داشته‌اند، در روزهای بعد، مدارکی که دال بر ملیت آنها بوده را یکی یکی در اختیار رسانه‌ها گذاشته‌اند.

اگر در پس این کار، نیت بدی نهفته نبوده، حتماً نشان ناتوانی و هرج و مرج بوده است. تأکید بر این ادعا رواست به ویژه که نمونه این پنهان‌کاری‌ها، اتهام‌های متقابل و سلب مسئولیت‌ها، پس از رخداد فاجعه‌های دیگر در شهر ما مرتباً تکرار می‌شود.

ما البته چنین تصور نمی‌کنیم، اما اگر نیروهای انتظامی می‌خواستند که پیش‌داوری ترس از پناهجویان به تأیید برسد و اعتماد نسبت به حکومت سلب شود، باز طور دیگری غیر از آنچه در شب سال نو و روزهای پس از آن از خود نشان دادند، عمل نمی‌کردند.

این انتقاد مشخصاً متوجه تک تک نیروهای پلیس نیست که همواره برای حفظ امنیت ما با خطرهای جدی روبرو می‌شوند. ما همچنان به ایشان اعتماد داریم.

اما مسئولان اداری و سیاسی که مرتکب خطا شده‌اند، چه در سلسله مراتب مقامی پایین‌تر از رئیس پلیس بازنشسته کلن باشند چه بالاتر، باید مشخص شوند و مورد مآخذ قرار گیرند.

در چند سال گذشته نیروهای انتظامی فقط در شهر کلن چهار بار در موارد بسیار حیاتی از خود نتوانی نشان داده‌اند:

دو مورد آن در رابطه با سوء قصدها و ترورهای فرقه موسوم به «ان اس او» (اتحادیه ناسیونال سوسیالیست ها) بوده که در پی آن طی سالهای متمادی بدون آگاهی درست به قربانیان انگ مجرم زده شده است. مورد سوم در سال ۲۰۱۴ و آشوب‌هایی بوده که گروه راست‌گرای افراطی موسوم به هوگسا (Hogesa) اوباش علیه سلفی‌ها (برپا کرده و طی آن ساعت‌ها مرکز شهر را به یک فضای قانون‌شکن تبدیل ساخته است و مورد آخر هم همین رویدادهای شب سال نو.

ما از این همه نتیجه می‌گیریم که در ساختار نیروهای انتظامی، معضلاتی وجود دارند که باید جدی و به سرعت برطرف شوند به ویژه که ما به علت افزایش خشونت از سوی گروه‌های جهادگرا و نژادپرست، بیش از پیش به یک نیروی انتظامی کارآمد، پلیس‌های مجهز و یک حکومت مورد اعتماد نیازمندیم تا دموکراسی‌مان برقرار و استوار بماند.

۴- توقف هرگونه بیگانه‌ستیزی: آلمان باید یک کشور میهمان‌نواز بماند. متأسفانه رویدادهای شب سال نو مسیحی باعث ایجاد سردی و تشنج بیشتر در افکار عمومی شده است. زیان این مسأله عمدتاً متوجه انسان‌هایی است که ریشه غیر آلمانی دارند. آنان افزون بر اینکه عموماً مظنون قلمداد می‌شوند، به طور وحشتناکی، اغلب مورد حمله‌های لفظی و حتا فیزیکی قرار می‌گیرند. از آنجا که عده کثیری از تعرض‌کنندگان خشونت‌گر به زنان در شب سال نو، جوانان عرب بوده‌اند، در افکار عمومی ادعا می‌شود که مرد عرب یا مسلمان، اصولاً به خشونت گرایش دارد. این ادعا فقط ناروشن نیست بلکه نادرست هم هست.

آیا باید حتماً به این واقعه اشاره کنیم که هنوز زمان درازی از جنگ بوسنی نگذشته است که طی آن مردان مسیحی به توده‌های زنان مسلمان تجاوز کردند؟ آیا به این خاطر کل فرهنگ مسیحیت مورد ظن و اتهام قرار گرفت؟

خیر. کافی است تنها به مبارزه طولانی و پرمشقت زنان برای به دست آوردن حقوق برابر و مصونیت بدنی از جمله در آلمان اشاره کنیم. تن‌ها افراد نیستند که می‌توانند بیاموزند و تغییر کنند. جوامع و فرهنگ‌ها هم یاد می‌گیرند و دگرگون می‌شوند.

ما خود می‌دانیم تصویری که برخی از پناهجویان از زن در ذهن‌شان دارند، با تصور ما از برابری حقوق زن و مرد، ضدیت دارد. پس باید هرچه بیشتر بکوشیم همراه با زبان آلمانی، اصول پر ارزشی که قانون اساسی ما به اعلا درجه ثبت کرده است را هم به ایشان بیاموزیم. این یعنی تقلا و تلاش بیش از پیش.

اما از سوی دیگر غنای مادی و معنوی که بیش از دو هزار سال است به لطف مهاجرت نصیب شهر کلن و ما اهالی آن می‌شود ما را به این نتیجه می‌رساند که هم‌پیوندی هدفی ارجمند و دست‌یافتنی است.

حق پناهندگی در قانون اساسی که بی‌تردید باید به مثابه چهارچوب همزیستی ما در این جامعه به آن نگریست، از اصول مسلم و طبیعی انسانی شمرده شده است.

ما به خود می‌بالیم که اکثر قریب به اتفاق مردم آلمان در پاییز سال گذشته به یاری پناهجویان شتافتند و آنان را دوستانه پذیرا شدند. ما همچنین شادمانیم که اکثر قریب به اتفاق پناهجویان سپاسگذار میهمان‌نوازی مردم آلمان بودند.

ما در ادامه زحمات و تلاش‌های نهادهای رسمی را ارج می‌نهمیم که فقط در عرض چند ماه با وجود همه مشکلات و نارسایی‌ها توانستند در کل به کار بیش از یک میلیون انسان تازه‌وارد به جامعه برسند.

و سرانجام ما هنوز بر این باوریم که کشور آلمان در برخورد با این چالش، رشد خواهد کرد. منتها با این نظر هم موافقیم که این میزان از مهاجرت بدون نظارت، آنچنان که از پاییز سال گذشته شاهدش بودیم، نمی‌تواند ادامه یابد. گرچه راه‌حل‌های پیشنهادی ساده مانند تعیین کلی حداکثر پذیرش پناهجو یا بستن مرزهای اتریش و آلمان هم به نظر ما پنداری است واهی.

تعیین سیاست انسان‌دوستانه، منصفانه و بلندمدت در زمینه پناهجویی، تنها با شرکت مجمع کشورهای اروپایی امکان‌پذیر است. به این خاطر نگرانی ما آلمان نیست بلکه اروپا است زیرا که شعله‌های تازمخیز ناسیونالیسم حیات و روح او را تهدید می‌کنند.